



2015 / 7 / 17



انجنیر نجیب داوری

صبح شد جمهوری دمید!

با تشکر از محترم داکتر سید عبدالله کاظم و محترم محمد اعظم سیستانی که جهت آگاهی بیشتر هموطنان، واقعیت های انکار ناپذیر تاریخ شصت سال اخیر افغانستان را بخصوص خدمات خستگی ناپذیر شهید سردار محمد داوود خان را در امر آبادی و اعتلای افغانستان عزیز- ضمن مقالات ارزشمند در پورتال وزین افغان- جرمن، آنلاین نمودند.

درست سی و هفت بهار و اندی از کودتای خونین و نامیمون هفت ثورگذشت. برای مردم ما یادآوری خاطرات دوره رژیمهای زورگوی چپی و راستی، بدبختی مردم و ویرانی کشور سخت درد آوراست و متأثرکننده. نسل امروزی بجز از یکی دو مورد محدود آنهم طی چندسال اخیر، دیگر تقریباً هیچ خاطره یی که با احساسات ملی عجین شده باشد- بخاطر ندارد. نسل های که حالا در پایان سنین چهل، سنین پنجاه ویا بالاتر از آن به سرمیبرند گاهی با یاد آوری و باز گویی خاطرات خوش قبل از کودتای ثور، روح و روان شانرا شاد می سازند. آنچه در اینجا قابل تذکار است، اینست که آن امکانات نسبتاً خوب زیربنایی و روبنایی را که ماقبل از کودتای ثور در اختیار داشتیم، اکنون کاملاً از دست داده ایم، زیرا سلاخی و کشتار بیرحمانه تعداد زیادی از دانشمندان، دگراندیشان، تجدد گرایان و شخصیت های ملی درنخستین ماه ها و سال کودتای خونین ثور ذریعه رژیم خونخوار و عقده مند تره کی - امین، اشغال نظامی کشور توسط روس ها، تشدید سیاست تفتیش اندیشه و عقاید، بمباران وحشیانه دهات و نابودی سیستم های آبیاری کشور، از یکسو، و از سوی دیگر سقوط رژیم داکتر نجیب الله در اثر اختلافات و عقده مندی های درون حزبی، ورود مجاهدین فی السبیل الجیق به شهر های کشور با ایده چور و چپاول دارایی های ملی و عامه، پدید شدن جنگ های وحشتناک و رعب آور تنظیمی جهت تاسیس حکومت به اصطلاح سچه اسلامی و بلاخره هم تاسیس امارت اسلامی و دکتاتوری استخوان سوز رژیم طالبان، مرحله بمرحله کشور مارا از داشته های زیر بنایی و رو بنایی خالی و خالی تر ساخت. در نتیجه آن هوا و فضای را که ما از بسیاری جهات بخصوص امنیت، وحدت ملی، اقتصاد نسبتاً خودکفا و کادری و ورزیده و متخصصین عرصه های گوناگون که درسالهای قبل از کودتای ثور داشتیم، حالا بدلایلی که در بالا از آنها ذکر رفت، کاملاً از دست داده ایم. خلاصه ابعاد عظیم تأثیرات مخرب کودتای ثور، از آنجمله مداخلات کینه توزانه کشورهای ایران و پاکستان در امور داخلی میهن ما، هنوز شاخ و ریشه میکشد و چنان بنظر میرسد که سال های بعدی و نسلهای بعدی را نیز به قربانی می طلبد؛ ازکجا معلوم که تمامیت ارضی و وحدت ملی کشور عزیز ما، از اثر زلزله تباه کن- کودتای خونین ثور، جان سالم بدر برد.

سالها بعد از تراژدی سقوط رژیم امانی و سپری شدن دهه های سکوت و یخبندان رشد اجتماعی -اقتصادی کشور، سر انجام در سال 1332هجری شمسی مرحوم سردار محمد داوود به حیث صدراعظم افغانستان انتصاب شد. سردارمحمد داوود برخلاف اسلافش علاقه شدید و مفرطی به رشداجتماعی - اقتصادی کشورش داشت. تلاش ها و عرق ریزی ها مداوم و بی وقفه سردار مذکور در امر رشد اجتماعی - اقتصادی افغانستان و بکار انداختن ده ها پروژه عمده تولیدی و زیر بنایی و تاسیس هزاران مکتب و شفاخانه حتی در دور دست ترین نقاط کشور بازتاب گسترده یی داشت در امر رشد و غنا مندی ساحات مختلف روبنای کشور. از آنجمله - بخش های مختلف ورزش و سپورت نیز در میان گروه های مختلف مردم ما بخصوص در میان طبقه شهر نشین ولایات متعدد میهن ما جهش بلندی داشت در امر شگوفایی و باروری. تاسیس صد ها کلب و ورزشگاه سپورت های مختلف النوع در هر کوچه و پس کوچه شهرهای عمده سرزمین ما و ایجاد مسابقات سپورتنی میان کلب ها، برپایی تورنمنت های بهاری و خزان میان پوهنخی های پوهنتون کابل در رشته های مختلف سپورت، و برپایی مسابقات ورزشی بخصوص مسابقات فوتبال، والیبال و باسکتبال میان لیسه ها و مکاتب ولایات کشور و برگزاری جام مسابقات بزرگشی درخزان هر سال درشهرکابل، خود عامل دیگری بود که باعث رشد و بالابردن توانمندی جوانان کشور در شقوق مختلف ورزشی میگردد. بیاد میآورم سالهای با سعادت عصر جمهوریت و چمن حضوری شهر کابل را- که در ایام

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

بهاران و تابستان پُر از جوانان ونوجوانان فوتبالر و غیره علاقمندان ورزش بود.وبعد هم روزهای دهه شصت هجری را که در تمام ساحه چمن مذکور فقط تعداد محدودی اطفال و نوجوان پائینتر از سن پانزده مصروف بازی فوتبال میبوندند وبس.

در جریان دهه سی شمسی شهر کابل با اعمار ساختمانهای عصری وجدید چهره بدل کرد. وهمزمان تعمیر استادیوم ورزشی نیز جهت بر پایی جشن وسرور در امر تجلیل از جشن استقلال کشور در یکی از ساحات شهر کابل بنا گردید. و از اواخر دهه سی به بعد مطابق معمول هر سال از اول ماه سنبله برای مدت یک هفته با برپایی کنسرت ها، مسابقات ورزشی و ایجاد نندارتون ها از سالگرد استقلال کشور در محل مذکور تجلیل بعمل میآمد؛ مگر بعد از سال 1350 خورشیدی با در نظر داشت وضع نابسامان اقتصادی کشور در اثر خشکسالی های پی در پی تجویز گرفته شد که تجلیل از جشن استقلال تنها به رسم گذشت عسکری و رسم گذشت شاگردان معارف محدود گردد و پول تخصیص بقیه مراسم، بمنظور خرید مواد غذایی برای مناطق متضرر ناشی از خشکسالیها به مصرف برسد.

ولی بعد از کودتای سال 1352 با تطبیق نظم و قانون در کشور و جلوگیری از حیف ومیل ها ومصارف بیجا از یکطرف و از طرف دیگر توجه در امر حمایه از تولیدات و صنایع داخلی، بهبود زراعت و بالا رفتن عایدات دولت تصمیم گرفته شد تا از سالگرد تاسیس نظام جمهوریت در 26 سرطان هر سال تجلیل شایسته بعمل آید. آنچه در اینجا قابل یاد آوریست، اینست که از بسیاری جهات تفاوت های واضح میان تجلیل از سالگرد جشن استقلال در زمان شاهی و تجلیل از جشن جمهوریت، بنظر میرسد. طوریکه در نندارتون ها یانمایشگاه های عصر جمهوریت بیشتر پیشرفت های صنایع وتولیدات داخلی با ارائه ارقام وپلان های پیش بینی شده بعدی به نمایش گذاشته میشد؛ چنانچه در تجلیل از جشن جمهوریت در سال 1356 خورشیدی در بسیاری از نمایشگاه های مربوط از رقم ازدیاد تولیدات داخلی مطابق به پلان هفت ساله و همچنان نمونه ها ومؤدل های از بند های آبگردان آبیاری چون- خروار، کیله گی، سلما، کمال خان وگمبیری و فابریکات ذوب فلزات چون مس عینک و آهن حاجیگگ به نمایش گذاشته شده بود، ایده ایکه با کودتای ثور هرگز به ثمر نرسید. همزمان با این در جشن های سالگرد تاسیس جمهوریت از هنر مندان و ورزشکاران رشته های مختلف سپورتی کشورهای منطقه نیز دعوت بعمل میآمد تا جهت هنرنمایی و اجرای مسابقات ورزشی در شهرکابل حضور بهم رسانند.

روز های جشن سومین سالگرد تاسیس نظام جمهوریت یعنی سال 1355 خورشیدی بود. در آنزمان که در یکی از دهات جنوب شهر کابل زنده گی مینومدم و تازه به سنین جوانی پا گذاشته بودم. پروگرام راه اندازی مسابقات و کنسرت ها را طریق رادیو دنیال و گاهی هم اتفاق میافتد که بعضی از کنسرت ها ومسابقات را از نزدیک تماشا کنم. در آنسال بر علاوه اشتراک تیم های فوتبال کشورهای هند، ترکیه، نیپال، بنگله دیش، ایران، اتحاد شوروی وپاکستان؛ هنر مندانی از کشور هندوستان و هنر مندانی از کشور ایران به اشتراک ستار، گوگوش، نسرین و دلکش که از هنرمندان نخبه ودست اول آنوقت کشور ایران بشمار میرفتند، نیز جهت اجرای کنسرت درسومین سالگرد جشن جمهوریت بکابل آمده بودند.

عصر یکی از روز های جشن تاسیس سومین سالگردجمهوریت جهت تماشای مسابقات فوتبال راهی غازی استدیوم شدم، از رادیو شنیده بودم که مسابقه میان تیم فوتبال کابل (ح) وتیم فوتبال اتحاد شوروی وبعد هم مسابقه میان تیم فوتبال کابل(بی) و تیم فوتبال کشور ایران برگزار خواهدشد. وقتی بمحل غازی استدیوم رسیدم و خواستم تکت دخول بخرم، دیدم که تکت فروشی ها بسته است و حاضرین میگفتند که تکت تمام شده است ودر داخل استدیوم جا برای نشستن نیست. در عین حال تعداد کثیری از مردم وعلاقمندان در عقب دروازه های غازی استدیوم اجتماع کرده ومنتظر بودند که بعد از ختم مسابقه اول - احياناً در صورت بیرون شدن تعدادی از تماشاچی، برای آنها نیز اجازه ورود داده شود. به هر حال، بازی اول یعنی مسابقه میان تیم های کابل (ح) وتیم فوتبال اتحاد شوروی خاتمه یافت، از بلند گوها شنیده میشد که نتیجه مسابقه یک مقابل صفر به نفع تیم فوتبال اتحاد شوروی تمام شده است. با پایان یافتن این مسابقه تعدادی از تماشاچیان از استدیوم بیرون شدند. بعداً مسؤولین اجازه دادند تا آنهائیکه منتظر ورود بداخل استدیوم اند، بشمول آنهائیکه نسبت تمام شدن تکت، تکت اخذ نکرده اند، داخل استدیوم شوند. داخل استدیوم شدم و اتفاقاً درست در محلی قرار گرفتم - که مقابل لوژ یا همان جایی که در آنجا از مقامات بلند پایه دولتی ومهمانان رسمی پذیرایی بعمل میآمد، موقیعت داشت؛ معلوم میشد که تعدادی در لوژ مذکور نشسته اند. هوا کاملاً تاریک شده بود، در حالیکه استدیوم مملو از تماشا چی بود، نور افکن های قوی ساحه استدیوم را کاملاً روشن میساخت. درست ساعت ده شب مسابقه میان تیم های فوتبال کابل (بی) و ایران آغاز شد. در نیم اول بازی، تیم فوتبال ایران بدفعات دست به حمله زد تا مگر توپی را وارد دروازه تیم فوتبال افغانها نماید ولی تیم فوتبال افغانها با

د پاپو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

مهارت و شطارت تمام، حملات تیم فوتبال ایران را دفع مینمود. نیمه اول بازی بدون رد و بدل شدن گول صفرمقابل صفر پایان یافت. در نیمه دوم بازی اعضای تیم فوتبال افغانی نیز حملات متقابلی را جهت بثمر رسانیدن گول آغاز نمودند و توانستند بعد از گذشت نیم ساعت از نیمه دوم بازی، توپ را وارد دروازه تیم فوتبال ایران نمایند. با وارد شدن توپ تیم فوتبال افغانها بداخل دروازه تیم فوتبال ایرانیها، یکبارہ فضای استدیوم مملو از غریو و شادی هزاران تماشاچی شد؛ تماشاچیان همه به پا ایستاد شدند و از فرط شادی سر از پا نمیشناختند؛ و برای مدت تقریباً ده دقیقه کف زدند و خوشحال نمودند. در اینجا متوجه شدم که شخص پیشرویم به دوست پهلویش میگوید که " ببین نعیم خان هم ایستاد شده" البته که منظور شخص مذکور سردار محمد نعیم بود؛ که از فرار معلوم بازی فوتبال را تماشا میکرد. بازی فوتبال مذکور با نتیجه یک مقابل صفر به تیم فوتبال افغانستان تمام شد. وقتی رفری با صدای اشپلاق ختم بازی را اعلان کرد. تعداد کثیری از هموطنان با شورو شادی زاید الوصف به میدان فوتبال ریخته و برقص و پایکوبی پرداختند، در حالیکه یکتعداد از هموطنان ما فوتبالیست های افغان را بروی شانہ های شان بلند نموده بودند از بلند گو ها سرود دل انگیز اتن ملی با صدای بلند پخش میگردد و هزاران هموطن یکجا دست به اجرای رقص و اتن ملی پرداختند. بزرگترین رقص واتن ملی که شاید همان یکبار در زنده گی ام آنرا شاهد بوده ام. حالا- حالا ها با وجود گذشت سالهای سال از آن مسابقه با شکوه - هرگاہی که به تماشای بازی فوتبال میپردازم، آن حادثه و خوشی غرور آفرین ملی روی چشمان زنده میشود.

پایان

د پانیو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ